

شرط لازم موفقیت دیپلماسی اقتصادی ایران

محسن شریعتی‌نیا

عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی

سفر فدريکا موگرینی، مسوول سياست خارجي اتحاديه اروپا و هيأت همراه را می‌توان گام مهم ديگري در جهت پيشبرد استراتژي کلان تعامل سازنده دانست. در اين سفر نيز مانند اغلب سفرهايي که در دوره پسابرجام صورت گرفته، تعاملات اقتصادي مهم‌ترين موضوع مذاکراتي است. ترکيب هيأت همراه موگريني و دغدغه‌هايي که مقامات ايراني بيان کرده‌اند به خوبي نشان‌دهنده اين موضوع است. به ديگر سخن، ديپلماسي اقتصادي در کانون استراتژي کلان تعامل سازنده قرار دارد و موفقيت تعامل سازنده تا حد زيادي به موفقيت ديپلماسي اقتصادي ايران وابسته است. خروجي اين سفر و سفرهاي مشابه تا حد زيادي با تاثيراتي که در حيات اقتصادي ايرانيان خواهند داشت مورد سنجش قرار خواهد گرفت. شرط لازم موفقيت ايران در اين تعاملات چيست؟

موفقيت ايران در کسب نتايج پايدار از اين سفرها را می‌توان منوط به اصلاح ساختار ديپلماسي اقتصادي کشور به معنای هماهنگ‌سازي قواعد و روبه‌هاي اقتصادي و تجاري با روندهاي کليدي تجارت جهاني دانست. به ديگر سخن ايران در پيشبرد ديپلماسي اقتصادي با يک چالش استراتژيک مواجه است: عقب‌ماندگي از روندهاي کليدي تجارت جهاني. جبران پرشتاب اين عقب‌ماندگي شرط لازم موفقيت پايدار ديپلماسي اقتصادي کشور است.

نخستين روند تجارت جهاني که ايران با آن تطبيق نيافته، ظهور سازمان تجارت جهاني است. اين روند که در دوره پساجنگ سرد به اوج رسيد، نظام تجارت آزاد چندجانبه را در قالب سازمان تجارت جهاني گسترش داد و تشبيت کرد. اين نهاد نخستين و مهم‌ترين سازمان جهاني بود که پس از جنگ سرد شکل گرفت و تجارت جهاني را در قالب قواعد خود قرار داد. برخلاف گات اين سازمان کلوپ ثروتمندان نيست بلکه ۱۶۲ کشور در آن عضويت دارند و ۹۷ درصد تجارت جهاني در قالب قواعد آن صورت می‌گيرد. البته دوره اوج تاثيرگذاري اين سازمان را می‌توان دهه نخست حيات آن، يعني سال‌هاي ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ دانست. پس از آن اين سازمان به دلایلي چون اختلاف قدرت‌هاي در حال ظهور و قدرت‌هاي سنتي، تاثيرات دگرگون‌کننده فناوري بر تجارت و ناتواني اين نهاد در تطبيق خود با تحولات پرشتاب تجارت جهاني از دوره اوج خود فاصله گرفت. تا جايي که برخي کارشناسان معتقد به حاشيه‌نشيني اين نهاد در شکل‌دهي به تجارت جهاني قرن بيست و يک هستند. اما فارغ از چندين مورد مباحث مورد اشاره، آنچه از منظر بحث حاضر مهم است اين است که ايران از اين روند کليدي تجارت جهاني در دهه‌هاي اخير، به‌طور کلي برکنار بوده است. اندکي پس از تشکيل اين سازمان، ايران درخواست عضويت در اين نهاد را مطرح کرد، اما موانع خارجي و کم‌اهميت دادن به اين موضوع در داخل باعث شد تا با گذشت ۲۱ سال از شکل‌گيري اين نهاد، ايران همچنان در حاشيه آن به‌عنوان عضو ناظر باقي بماند. از همين رو در شرايط کنوني، ۹۷ درصد تجارت جهاني در درون مجموعه قواعد اين سازمان صورت می‌گيرد، اما تجارت با ايران قواعد خاص خود را دارد و همچنان به سنتي‌ترين شيوه‌هاي ممکن انجام می‌گيرد. مهم‌تر آنکه در حاشيه ماندن ايران باعث شده تا شرکاي تجاري آن به‌صورت سلیقه‌اي و در چارچوب قواعدی که خود تنظيم می‌کنند با اين کشور به تعامل تجاري مبادرت ورزند و از اين رهگذر تجارت خارجي ايران دچار بی‌ثباتي مزمّن شود.

دومین روند تجارت جهانی، منطقه‌ای و بلوکی شدن روزافزون آن است؛ روندی که نمادهای آن را می‌توان در موافقت‌نامه مشارکت فراپاسیفیکی و موافقت‌نامه تجارت و سرمایه‌گذاری فرآتلانتیکی مشاهده کرد. در هر دوی این موافقت‌نامه‌ها قدرت‌های سنتی تجاری (مجموعه غرب و ژاپن) که تا حدی از سازمان تجارت جهانی ناامید شده‌اند و رفتار رقابتی در حال ظهور خود را خوش نمی‌دارند، نوعی «جهانی شدن گزینشی» و آزادسازی تجاری گزینشی را برای حفظ توانایی رقابت و نیز ممانعت از آنچه سواری مجانی قدرت‌های نوظهور می‌دانند در پیش گرفتند. البته این قدرت‌ها استدلال می‌کنند که تأثیرات دگرگون‌کننده، فناوری‌های نوین ماهیت تجارت در قرن ۲۱ را دگرگون کرده است. دگرگونی که سازمان جهانی تجارت به‌عنوان نهادی قرن بیستمی و ناتوان از به سرانجام رساندن دور مذاکراتی دوحه‌قادر به قاعده‌سازی برای آن نیست و قاعده‌سازی‌ها باید در درون موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای قرن بیست و یکمی صورت گیرد. این روند نوپدید تجارت جهانی که به‌ویژه از سال ۲۰۰۸ و بحران مالی غرب، رو به گسترش است هنوز در ایران اساساً محل بحث نیست. به دیگر سخن بحث و تبادل نظر در مورد این روند به تازگی در محافل علمی آغاز شده است. این درحالی است که کشورهای پیشرو تجارت جهانی به گونه‌ای روزافزون در این روند درگیر می‌شوند و تجارت خارجی خود را بر مبنای قواعد قرن بیست و یکمی که بسیار پیشرفته‌تر و پیچیده‌تر از قواعد سازمان تجارت جهانی است به پیش می‌برند.

در شرایط کنونی که تعاملات بین‌المللی ایران به‌گونه‌ای بی‌سابقه رو به گسترش است، عقب ماندن از این دو روند می‌تواند پیشبرد اهداف دیپلماسی تجاری ایران را با مشکلات جدی مواجه سازد. به بیان روشن‌تر، ایران در شرایط کنونی با قواعد پیش از شکل‌گیری سازمان تجارت جهانی، قواعدی که در میانه قرن بیستم بر تجارت جهانی حاکم بود، وارد فضای تجارت جهانی در قرن بیست و یکم شده است. از همین رو عملیاتی کردن توافقاتی که با هیات‌های مختلف تجاری و اقتصادی از جمله با هیاتی که به همراهی فدریکا موگرینی به ایران سفر کرده‌اند، سهل و آسان نخواهد بود. روشن است که یافتن راه‌حل برای پاسخ به این چالش به راحتی امکان‌پذیر نیست، اما می‌توان مدعی شد که بدون جدی شدن روند الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی و هماهنگ شدن تجارت خارجی کشور با بخش مهمی از قواعد تجارت جهانی، دیپلماسی اقتصادی ایران مدرن نخواهد شد و حداکثر می‌توان انتظار داشت روندهای سنتی و برگشت‌پذیر گذشته در دوره جدید توسعه یابد. بنابراین به موازات سرعت بخشیدن به تعاملات اقتصادی و پذیرایی روزانه از هیات‌های سطح بالا، تسریع در روند الحاق به سازمان تجارت جهانی و تبدیل این موضوع به دستور کار شماره یک دیپلماسی چندجانبه کشور ضرورت دارد تا زمینه نهادی و قانونی لازم برای اتصال معنادار ایران به جریان تجارت جهانی فراهم آید. تحکیم موفقیت دیپلماسی اقتصادی کشور نیازمند ارتباط روزآمد، نهادینه و پویای روندها و فرآیندهای اقتصادی و تجاری کشور به نظام تجارت چندجانبه است.